

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحلیف



ABCDEFGHIJKI

خودآموز زبان انگلیسی

TOP NOTCH

جلد سوم

(سطح ۲)

خودآموز زبان انگلیسی

# Top Notch

(سطح ۲)

جلد سوم

چاپ دوم - بهار ۱۳۹۱

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

Advance
Upper-Intermediate
<b>Intermediate</b>
Pre-Intermediate
Elementary

TahlilGaran.org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز زبان انگلیسی Top Notch
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۴؛ ۱۱×۱۷ س.م.
شابک	: دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۱: ۵-۲۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۲: ۲-۲۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۳: ۳-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج ۴: ۵-۳۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ج ۱. مقدماتی ج ۲. سطح ۱ ج ۳. سطح ۲ ج ۴. سطح ۳
موضوع	: زبان انگلیسی - کتابهای درسی برای خارجیان - فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی - خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ خ ۹م / PE۱۱۲۸
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۷۷۷۱

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم، پلاک ۱۸  
واحد ۲ تلفن: ۸۸۷۳۷۱۸  
سایت اینترنت: [www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)  
پست الکترونیک: [info@PersianVi.com](mailto:info@PersianVi.com)



نام کتاب : خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ - جلد سوم  
گردآوری و تألیف : علیرضا معتمد  
چاپ دوم : بهار ۱۳۹۱  
قطع جیبی : ۶۴ صفحه  
شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه  
شابک : ۸-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
شبابک دوره: ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
بها : ۲۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

## مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی تاپ ناچ، مجموعه ای شامل ۶ سطح (به انضمام کتابهای سامیت) بوده که توسط انتشارات لانگمن جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید هر درس از کتابهای تاپ ناچ است که در چهار جلد شامل ناپ ناچ مقدماتی، تاپ ناچ سطح ۱، تاپ ناچ سطح ۲ و تاپ ناچ سطح ۳ ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی تاپ ناچ مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

**موفق باشید**

**علیرضا معتمد**

**موسس و مدیر مسئول**

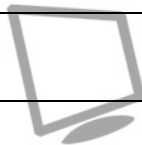
هر زبان جدید می باشد.



**TahlilGaran.org**

## فهرست مطالب :

۶	✓ زمان حال کامل ✓ اسم مفعول	Greeting & Small Talk	درس ۱.
۱۱	✓ کاربرد قید زمان در حال کامل ✓ کاربرد would, will you ✓ کاربرد would rather	Movies	درس ۲.
۱۷	✓ کاربرد Had better ✓ زمان آینده ساده ✓ کاربرد be going to, will	Staying at Hotels	درس ۳.
۲۲	✓ زمان گذشته استمراری ✓ کاربرد افعال دو جزئی	Cars & Driving	درس ۴.
۲۸	✓ کاربرد some, any, no ✓ کاربرد many, much, few ✓ کاربرد every	Personal Care	درس ۵.
۳۴	✓ کاربرد used to ✓ کاربرد جملات منفی سوالی ✓ کاربرد Why don't...?	Eating well	درس ۶.
۳۸	✓ کاربرد مصدر ✓ کاربرد اسم مصدر	Psychology	درس ۷.



۴۳	✓ جملات معلوم و مجهول ✓ اسم مفعول ✓ افعال لازم و متعدی ✓ ساختار جملات مجهول	Enjoying the Art	درس ۸.
۵۰	✓ کاربرد as ... as در تشابه صفتها ✓ کاربرد as ... as در تشابه قیدها ✓ بیان هدف و نتیجه گیری	Living with Computers	درس ۹.
۵۶	✓ کاربرد ضمائر ملکی ✓ کاربرد جملات شرطی حقیقی ✓ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی	Ethics and Values	درس ۱۰.



## Unit 1: Greeting and Small Talk.

### 📌 Grammar.

#### ☑ زمان حال کامل :

به عبارت **علی به مدرسه رفته است** توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تا کنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد.

ساختار جملات حال کامل بصورت زیر می باشد:

#### قسمت سوم فعل + **have / has** + فاعل

مثال :

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد (حال ساده)

He has learned English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (حال کامل)

**توجه :** در انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی

(برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ...، تا کنون) به همراه

قید زمان استفاده می شود. مثال :

She has lived in Iran since 1380.

او از سال ۱۳۸۰ تا کنون در ایران زندگی کرده است.

She has lived in Iran for two years.

او برای دو سال در ایران زندگی کرده است

**توجه :** کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد.

مثال:

I haven't gone there. من به آنجا نرفته ام.

### ☑ قسمت سوم فعل (اسم مفعول) :

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده بصورت زیر است:

have ► had  
 go ► gone  
 forget ► forgotten  
 begin ► begun  
 choose ► chosen  
 draw ► drawn  
 sing ► sung  
 do ► done  
 take ► taken  
 see ► seen





### ☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان حال کامل :

همانگونه که دیدید زمان حال کامل با فعل کمکی have , has همراه می باشد. بنابراین برای منفی نمودن جمله می بایست not را به انتهای فعل کمکی اضافه نماییم و همچنین برای ساختن جملات پرسشی می بایست have, has را به ابتدای جملات بیاوریم. مثال:

او هنوز نرسیده است. She hasn't arrived yet.

آیا او رسیده است? Has she arrived yet?

### ☑ کاربرد for, since, yet, just :

همانطور که دیدید در انتهای جملات حال کامل معمولا از for به معنی (برای مدت ...) یا since به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. yet به معنی (هنوز) و just به معنی (چند لحظه قبل) و already به معنی (پیش از این) نیز در جملات حال کامل بکار می روند. مثال:

He has just arrived at the theater.

او اندکی قبل به تئاتر رسیده است

I have already put it in my pocket.

من پیش از این آنرا در جیبم قرار دادم

I haven't seen it yet.

من هنوز آنرا ندیده ام



**توجه :** همانطور که دیده می شود، **already** و **just** مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولاً در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.

**توجه :** گاهی از **before** به معنی **(قبلا)** در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her before.

من قبلاً او را ندیده ام.

**توجه :** در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book since you came here.

من آن کتاب را ندیده ام از زمانیکه شما به اینجا آمده اید.

**توجه :** گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have, has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you ever seen Isfahan?

آیا تا کنون اصفهان را دیده اید؟

No, I have never seen it.

نه، هیچوقت آنرا ندیده ام.



## 👉 Vocabulary.

### climb:

climb /klaɪm/

بالا رفتن، صعود کردن (از کوه)

to climb mountains or rocks as a sport

- *Sir Edmund Hillary was the first man to climb Mount Everest.*

### sightseeing:

sight·see·ing / 'saɪt,si:ɪŋ/

گردش و دیدن مناظر

when you visit famous or interesting places, especially as tourists

- *He swam and went sightseeing.*

### try (food):

try /traɪ/

مزه کردن غذا، امتحان کردن

to taste food or drink to find out if you like it

- *Would you like to try some crisps?*

### take a tour:

tour /tuə/

سیاحت کردن، گشت زدن

a short trip through a place to see it

## Unit 2: Movies and Entertainment.

### 📌 Grammar.

#### ☑ کاربرد قید زمان در جملات حال کامل:

قیده‌های زیر معمولا در جملات حال کامل بکار می‌روند:

for به معنی (برای مدت ...)

since به معنی (از ... ، تا کنون)

yet به معنی (هنوز)

just به معنی (چند لحظه قبل)

already به معنی (پیش از این)

before به معنی (قبلا)

ever به معنی (هرگز)

never به معنی (هیچوقت)

مثال:

He has just arrived at the theater.

او اندکی قبل به تاتر رسیده است

I have already put it in my pocket.

من پیش از این آنرا در جیبم قرار دادم

I haven't seen it yet.

من هنوز آنرا ندیده ام

I haven't seen her before.

من قبلا او را ندیده ام.



I haven't seen that book since you came here.

من آن کتاب را ندیده ام از زمانیکه شما به اینجا آمده اید.

Have you ever seen Isfahan?

آیا تا کنون اصفهان را دیده اید؟

No, I have never seen it.

نه، هیچوقت آنرا ندیده ام.

### ☑ کاربرد **would** در جملات مودبانه :

**would** در جملات پرسشی جهت درخواست مودبانه بکار می رود.

مثال :

Would you buy me a ticket?

ممکن است خواهش کنم برای من یک بلیط بخرید

**will you** نیز مانند **would** جهت درخواستهای مودبانه بکار می

رود. مثال :

Will you buy me a ticket?

ممکن است خواهش کنم برای من یک بلیط بخرید

**would you like** جهت تعارف کردن چیزی بکار می رود.

مثال :

Would you like a cup of tea?

یک فنجان چایی میل دارید



**would like** به معنی (خواستن) بجای **want** در جملات

رسمی بکار برده می شود. مثال:

Would you like to see a movie tonight?

می خواهید امشب یک فیلم ببینید؟

**would rather** : توجه به معنی (ترجیح دادن) معمولا

برای انتخاب یک گزینه (از گزینه های موجود) در زبان انگلیسی

بکار می رود. مثال:

I would rather rent a movie than go to the cinema.

من ترجیح می دهم یک فیلم کرایه کنم تا اینکه به سینما بروم.

ترکیب منفی این جملات بصورت **would rather not** نوشته

شده و همچنین برای سوالی نمودن جمله کافست، **would** به

ابتدای جمله آورده شود.

مثال:

Would you rather see Star Wars or Gone with the Wind?

ترجیح می دهید فیلم جنگ ستارگان را ببینید یا فیلم بر باد رفته را؟

We would rather not see Star Wars.

ما ترجیح می دهیم فیلم جنگ ستارگان را نبینیم.



**توجه :** گاهی عبارت **would rather** بصورت مخفف **'d rather** نیز در جملات بکار می رود.  
مثال:

I'd rather rent a movie than go to the cinema.

He'd rather not see a comedy tonight.



## 📖 Vocabulary.

### romantic:

ro·man·tic /rou'mæntɪk/

(فیلم) عشقی

a romantic story or film is about love

- *a romantic comedy*

### boring:

bor·ing / 'bɔ:ɪŋ/

خسته کننده

not interesting in any way

- *Her husband is about the most boring person I've ever met.*
- *The job was dull and boring.*

### weird:

weird /wɪrd/

عجیب و غیر طبیعی

very strange and unusual, and difficult to understand or explain

- *A really weird thing happened last night.*
- *They sell all sorts of **weird and wonderful** (=very strange) products.*





### violent:

vi·o·lent / 'vaɪələnt/

خشن

involving actions that are intended to injure or kill people, by hitting them, shooting them etc

- *the increase in **violent crime***
- *31 people have been injured in violent incidents throughout the day.*

### unforgettable:

un·for·get·ta·ble /,ʌnfər'getəbəl/

فراموش نشدنی

an unforgettable experience, sight, etc affects you so strongly that you will never forget it, especially because it is particularly good or beautiful

- *A visit to Morocco is a truly unforgettable experience.*

### silly:

sil·ly / 'sɪli/

not sensible, or showing bad judgment

- *Stop asking silly questions.*
- *You made a lot of **silly mistakes** .*



چرند

### Unit 3: Staying at Hotels.

#### 📌 Grammar.

#### ☑ کاربرد had better :

had better به معنی (بهتر است) برای خاطر نشان کردن عواقب انجام عملی استفاده می شود. had better موثرتر و الزام آورتر از should می باشد. مثال :

You had better eat now. You will not have time later.

ترجیحا حالا غذا بخور. بعدا فرصت نخواهی داشت

had better not به معنی (نظر خوبی نبودن) برای نصیحت انجام ندادن کار استفاده می شود. مثال:

You had better not tell him.

نظر خوبی نیست که به او بگویی

We had better not eat at restaurant.

نظر خوبی نیست که در رستوران غذا بخوریم

#### ☑ زمان آینده ساده :

زمان آینده ساده برای اموری استفاده می شود که در زمان آینده (دور یا نزدیک) انجام خواهد شد. ترکیبهای زمان آینده ساده بسته به نوع کاربرد همراه با be going to یا will نوشته می شوند.

## ☑ کاربرد be going to در زمان آینده ساده :

be going to (به معنی قصد داشتن) برای بیان تصمیم و برنامه ریزی در آینده نزدیک (بصورت پیش بینی شده) بکار می رود.  
مثال:

She is going to buy a new coat for winter.

او تصمیم دارد تا برای زمستان کت جدیدی بخرد - تصمیم

Look at the dark clouds. It's going to rain.

به ابرهای تیره نگاه کن. بزودی باران خواهد بارید - پیش بینی

I studied hard. I'm going to get a good grade.

من سخت مطالعه کرده ام. نمره خوبی خواهم گرفت - برنامه ریزی

در این ساختار be فعل کمکی می باشد. بنابر این در ترکیب جملات منفی باید not را به آن اضافه نماییم و در جملات پرسشی می بایست be را به ابتدای جمله بیاوریم.  
مثال:

She is not going to buy a new coat for winter.

Are you going to study architecture?

**توجه :** برای بیان مواردی که در گذشته قصد انجام آنرا داشته ایم ولی انجام نشده باشد، می توان از حالت گذشته be going to استفاده نمود. مثال:

She was going to see you, but she couldn't.

او قصد داشت که به دیدن تو بیاید، ولی نتوانست.

### ☑ کاربرد will در زمان آینده ساده:

will برای بیان آینده دور و همچنین بیان حقایق، یا بیان مواردی که بدون پیش بینی در آینده اتفاق خواهد افتاد بکار می رود. مثال :

The film will start at 8 PM.

فیلم ساعت هشت بعد از ظهر شروع خواهد شد - حقایق

It was hot yesterday. It'll be hot today.

دیروز گرم بود. امروز گرم خواهد بود - حقایق

What will you do five years later?

پنج سال آینده چه کار خواهید کرد؟ - آینده دور

در این ساختار will فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات پرسشی می بایست will را به ابتدای جمله بیاوریم.

**توجه :** won't صورت مخفف will not است.

The film won't start tomorrow

**توجه :** قید های زمان می توانند در زمان آینده ساده بکار روند. مهمترین این قیدها عبارتند از:

as soon as (به محض اینکه)

soon (بزودی)

tomorrow (فردا)

next week (هفته آینده)

on weekend (آخر هفته)

## 📖 Vocabulary.

### towel:

tow·el / 'tauəl/

حواله

a piece of cloth that you use for drying your skin or for drying things such as dishes

- *Have you got a clean towel I could use?*

### hanger:

hang·er / 'hæŋər/

چوب لباسی

a curved piece of wood or metal with a hook on top, used for hanging clothes on

- *She took off her jacket and hung it on a hanger.*

### iron:

i·ron / 'aɪərn/

اتو

- *a thing used for making clothes smooth, which has a heated flat metal base*

**laundry:**

laun·dry / 'lɔ:ndri/

رخت های شستنی

clothes, sheets etc that need to be washed or have just been washed

- *She **did the laundry** (=washed the clothes etc) and hung it out to dry.*
- *a pile of dirty laundry*

**fitness:**

fit·ness / 'fɪtnɪs/

تناسب اندام

when you are healthy and strong enough to do hard work or play sports

- *an exercise programme to improve your fitness*
- *Running marathons requires a high level of **physical fitness** .*



## Unit 4: Cars and Driving.

### Grammar.

#### ☑ زمان گذشته استمراری :

زمان گذشته استمراری برای اموری استفاده می شود که در زمان مشخصی از گذشته رخ داده و در همان زمان استمرار داشته است.  
مثال:

I was listening to the radio yesterday.

من دیروز داشتم به رادیو گوش می کردم.

جمله فوق استمرار گوش دادن به رادیو را در زمان گذشته نشان می دهد. ساختار جملات گذشته استمراری بصورت زیر می باشد:

**ing + فعل اصلی + was/were + فاعل**

مثال :

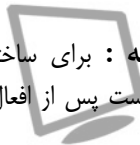
I was watching TV.

من داشتم به تلویزیون نگاه می کردم.

He was making noise this morning.

او امروز داشت (خیلی) سر و صدا ایجاد می کرد.

**توجه :** برای ساختن ترکیبهای منفی زمان گذشته استمراری، کافیهست پس از افعال was, were از واژه not استفاده نماییم.



همچنین جملات سوالی با آوردن **was/were** به ابتدای جمله ساخته می شوند.

مثال :

Was the car making that noise this morning?

آیا امروز صبح، ماشین داشت (اینهمه) سر و صدا ایجاد می کرد؟

No, it wasn't. خیر

**توجه :** زمان گذشته استمراری گاهی با یک جمله حال ساده نیز همراه است. این جمله معمولا با کلمه **when** شروع می شود.

مثال:

He was watching TV when we arrived.

زمانیکه ما رسیدیم، او داشت تلویزیون نگاه می کرد.

### ☑ کاربرد **while** و **as** در زمان گذشته استمراری :

کلمات **while** و **as** به معنی (هنگامیکه) در ابتدای جملات گذشته استمراری هنگام اتصال به جملات گذشته ساده بکار می روند. مثال:

While you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتی رانندگی می کردی، من شما را دیدم.

I was watching TV as he came.

هنگامیکه او آمد، داشتم تلویزیون نگاه می کردم.





**توجه :** هنگامیکه **when, while, as** در وسط جمله بکار رود، علامت (r) حذف می شود، در غیر اینصورت از (r) مابین جمله گذشته ساده و گذشته استمراری استفاده می کنیم. مثال:

I saw you while you were driving.

While you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتی رانندگی می کردی، من شما را دیدم

### ☑ افعال دو جزئی :

افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs ، افعالی هستند که از دو کلمه شامل فعل اصلی و حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مانند **turn on** (روشن کردن)

برخی از افعال دو جزئی رایج عبارتند از:

turn on, turn off, fill up, try on, take off, put out,  
break up, take out, give up, pick up, look up,  
put on, put off, turn up, turn down

مثال :

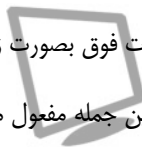
I will **turn on** the car.

من ماشین را روشن خواهم کرد.

عبارت فوق بصورت زیر نیز می تواند نوشته شود:

I will **turn** the car **on**.

در این جمله مفعول مابین دو قسمت افعال دو جزئی قرار می گیرد.



**توجه :** اگر بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

من چراغ را خاموش خواهم کرد.

ولی جمله زیر نادرست است:

~~I will turn off it.~~

**توجه :** برخی از افعال دو جزئی قابلیت جدا شدن از هم را نداشته و همواره بصورت یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:

look for, search for, think of, look for, hold on,  
get on, catch on, get off, keep on, ask for,  
fall off,

مثال:

I am looking for my book.

من به دنبال کتابم می گردم.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~



## 👉 Vocabulary.

### headlight:

head·light / 'hedlaɪt/

چراغ جلوی ماشین

one of the large lights at the front of a vehicle, or the beam of light produced by this

- *Suddenly, a figure appeared **in my headlights***

### hood:

hood /hud/

کاپوت ماشین

the metal covering over the engine on a car

- *Check under the hood and see what that noise is.*

### windshield:

wind·shield / 'wɪndʃi:ld/

شیشه جلوی اتومبیل

a piece of glass or clear plastic fixed at the front of a motorcycle that protects the rider from wind



**wiper:**

wip·er / 'waɪpər/

برف پاک کن

a piece of equipment on a car, that removes rain from the windshield

**taillight:**

tail.light /teɪl laɪt/

چراغ عقب اتومبیل

a (usu. red) light at the rear of a train, motor vehicle, etc.

**bumper:**

bump·er / 'bʌmpər/

سپر اتومبیل

a bar fixed on the front and back of a car to protect it if it hits anything



## Unit 5: Personal Care and Appearance.

### Grammar.

#### کاربرد some, any, no

**some** به معنی (تعدادی) در جملات مثبت بکار می رود.  
**any** به معنی (هیچی) در جملات منفی و سوالی بکار می رود.  
 همچنین **no** به معنی (هیچ) در جملات مثبت بکار می رود ولی  
 به آن مفهوم منفی می دهد. مثال:

There are **some** bedrooms in my house.

در منزل من چندین اتاق خواب وجود دارد

There aren't **any** bedrooms in my house.

در منزل من هیچ اتاق خوابی وجود ندارد

Are there **any** bedrooms in your house?

آیا در منزل شما هیچ اتاق خوابی وجود دارد؟

There are **no** bedrooms in my house.

در منزل من هیچ اتاق خوابی وجود ندارد

**توجه : some** در جملات پرسشی که انتظار پاسخ مثبت از آن می رود نیز بکار برده می شود. مثال:

Do you want **some** sugar?

آیا مقداری شکر می خواهید؟ (البته که می خواهید)

**توجه : any** پس از کلمه **without** (حتی در جملات مثبت) نیز بکار می رود. مثال:

He left here without any money.

او اینجا را بدون هیچ پولی ترک کرد.

### ☑ کاربرد many, much :

many به معنی (تعداد زیاد) تنها قبل از اسامی شمارشی بکار

می رود. مانند: many books (تعداد زیادی کتاب)

much به معنی (مقدار زیاد) تنها قبل از اسامی غیر شمارشی

بکار می رود. مانند: much water (مقدار زیادی آب)

مثال :

I have many apples. من تعداد زیادی سیب دارم

I have much water. من مقدار زیادی آب دارم

### ☑ کاربرد a few, few :

a few به معنی (تعداد خیلی کم) تنها قبل از اسامی شمارشی

بکار می رود. مانند few books (تعداد کمی کتاب)

a little به معنی (مقدار خیلی کم) تنها قبل از اسامی غیر

شمارشی بکار می رود. مانند a little water (مقدار خیلی کمی

آب) مثال :

I have a few apples.

من تعداد کمی سیب دارم

I have a little water.

من مقدار کمی آب دارم



## ☑ کاربرد every :

every به معنی (همه) نیز در کلیه جملات مثبت ، منفی و سوالی می تواند بکار رود. زمانیکه some , any , no , every با لغاتی از قبیل body , thing , where , one ترکیب می شوند ، معانی ویژه ای پیدا می کنند. مثال :

everybody همه کس

somebody هرکسی

nobody هیچ کس

anybody هیچ کس

everyone همه کس

someone هرکسی

no one هیچ کس

anyone هیچ کس

everything همه چیز

something هرچیزی

nothing هیچی

anything هیچی

everywhere همه جا

somewhere هرجایی

nowhere هیچ جا

anywhere هیچ جا

**توجه :** پس از some , any , no , every و ترکیبات آنها همیشه فعل بصورت مفرد می آید. مثال :

There is something on the table.

یه چیزی روی میز قرار دارد

There isn't anything to eat.

هیچی برای خوردن وجود ندارد

He didn't say good-bye to everyone.

او با همه خداحافظی نکرد

There is no one in the class.

هیچ کس در کلاس نیست

There was nothing on TV.

هیچی در تلویزیون نبود

**توجه :** در مثال های زیر هر دو جمله مفهوم یکسانی دارند:

I want nothing to eat.

( = I don't want anything to eat.)

من هیچ چیز برای خوردن نمی خواهم

I went nowhere.

( = I didn't go anywhere.)

من هیچ جا نرفتم





## 📖 Vocabulary.

### razor:

ra·zor / 'reɪzər/

تیغ اصلاح صورت

a tool with a sharp blade, used to remove hair from your skin

- *an electric razor*

### nail clippers:

'nail .clippers /neɪl klɪpərz/

ناخنگیر

a special tool for cutting your nails neatly

### nail file:

'nail file /neɪl faɪl/

سوهان ناخن

a thin piece of metal with a rough surface used for making your nails a nice shape

### sunscreen:

sun·screen / 'sʌnskri:n/

کرم ضد آفتاب

a cream or oil that you rub into your skin to stop the sun from burning you



**dental floss:**

.dental 'floss / dentl 'flɑ:s/

نخ دندان

thin strong string that you use for cleaning between your teeth

**deodorant:**

de·o·do·rant /di:'oudərent/

برطرف کننده بوی بد بدن

a chemical substance that you put on the skin under your arms to stop you from smelling bad



## Unit 6: Eating Well.

### 📌 Grammar.

#### ☑️ کاربرد used to :

used to به معنی (عادت داشتن به ...) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته بکار می رود. (که در زمان حال ترک شده باشد) مثال:

I used to drink too much coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

از آنجائیکه used to بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی did می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

I didn't use to eat coffee.

در گذشته عادت به نوشیدن قهوه نداشتم.

Did he use to avoid sweet?

آیا او عادت به پرهیز از شیرینی داشت؟

No, he didn't.

خیر

#### ☑️ کاربرد جملات منفی سوالی :

ترکیبهای منفی سوالی معمولاً جهت چک کردن اطلاعاتی که به نظر صحیح می آید، استفاده می شود. مثال:

Isn't Ali a student?

آیا علی دانش آموز نیست؟

Yes, he is.

Don't you have two children?

آیا شما دو تا بچه ندارید؟

No, I don't. I have three.

**توجه :** زمانیکه تمایل داشته باشیم که پاسخ فرد به سوال ما مثبت باشد، از جملات منفی سوالی استفاده می کنیم. مثال:

Don't you love pizza? It's delicious.

آیا پیتزا دوست نداری؟ خوشمزه است.

**توجه :** زمانیکه منظور از سوال، اظهار تعجب باشد، نیز از جملات منفی سوالی استفاده می شود. مثال:

Hasn't he finished eating yet? It's 1 pm.

هنوز غذایی را تمام نکرده است؟ ساعت یک است.

### ☑ کاربرد عبارت why don't :

برای بیان پیشنهاد و یا انتخاب از عبارت why don't بصورت زیر استفاده می شود. مثال:

Why don't you have some more cake?

چرا مقدار بیشتری کیک نمی خورید؟

Why don't we go out for dinner?

چرا برای شام بیرون نرویم؟



## 👉 Vocabulary.

### **crazy about:**

cra·zy / 'kreɪzi/

شدیدا/ علاقمند بودن به چیزی یا کسی

liking someone very much, or very interested in something

- *Dan's crazy about football.*
- *He's crazy about her.*

### **(to be a) big ...:**

big /bɪg/

انجام دادن کاری به وفور

doing something to a large degree

- *Des is a big meat eater, you know.*

### **addict:**

ad·dict / 'ædɪkt/

خو گرفتن، اعتیاد به چیزی

someone who is very interested in something and spends a lot of time doing it

- *My nephew is a complete video game addict.*
- *I'm a chocolate addict.*



**... lover:**

lov·er / 'lʌvər/

عاشق و خاطرخواه چیزی یا کسی

someone who likes something very much

- *music lovers*
- *Nicola and I were lovers.*

**I can't stand ...:**

stand /stænd/ v

نمی توانم ... را تحمل کنم.

used to say that you do not like someone or something at all, or that you think that something is extremely unpleasant

- *I can't stand bad manners.*
- *I know he can't stand the sight of me.*

**I don't care for ...:**

care /ker/

دوست نداشتن چیزی یا کسی

to not like someone or something

- *I don't much care for his parents.*
- *I don't care for steak.*



## Unit 7: Psychology and Personality.

### Grammar.

#### ☑ کاربرد مصدر :

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل صورت اولیه فعل + **to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با **to** یا Infinitive with **to** می گویند. در مثال زیر **to go** مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

از تو، رفتن با او را می خواهم (= از تو می خواهم که با او بروی)

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات بکار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص. (مانند **want** در مثال قبل) پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فصل دوم بصورت مصدر (با **to**) بکار برده می شود، عبارتند از:

want, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need, plan, seem, wish, would like

**توجه :** در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.

از تو نرفتن آنجا را می خواهم (= از تو می خواهم که آنجا نروی)



### ☑ کاربرد اسم مصدر :

اسم مصدر یا Gerund با افزودن ing به انتهای فعل ساخته می شود. مانند **painting** (به معنی نقاشی)

اسم مصدر بصورت اسم در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

She enjoys **painting**.

او نقاشی کردن را دوست دارد.

They discussed **going** on vacation.

آنها در مورد رفتن به تعطیلات بحث کردند.

**توجه :** اسم مصدر می تواند بصورت‌های زیر در جملات گوناگون بکار رود:

۱ - فاعل. مثال: **Smoking is bad**

۲ - مفعول. مثال: **I like painting**

۳ - صفت قبل از اسم. مثال: **painting book**

۴ - اسم بعد از صفت. مثال: **her painting**

**توجه :** پس از افعال زیر اسم مصدر بکار می رود:

enjoy, feel, like, mind, practice, quit, suggest,  
would you mind, can't help, can't stand,  
to be used to

مثال:

I enjoy **watching** TV.



خودآموز زبان انگلیسی تاپ ناچ (سطح ۲)

**توجه:** پس از حروف اضافه، فعل بصورت اسم مصدر بکار می رود.  
مثال:

از سوال شما سپاسگذارم. **Thanks for asking.**



## 📖 Vocabulary.

### exciting:

ex·cit·ing /ɪk'saɪtɪŋ/

مهیج

making you feel excited

- *I've got some very exciting news for you.*
- *Melanie finds her work exciting and rewarding.*

### cheerful:

cheer·ful / 'tʃɪrfəl/

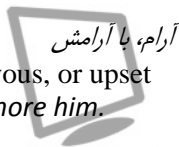
بشاش، خوشحال

happy, or behaving in a way that shows you are happy

- *She was feeling more cheerful than before.*
- *I'm making a real effort to be cheerful despite everything.*

### calm:

calm /kɑ:lm/



relaxed and quiet, not angry, nervous, or upset

- *I tried to stay calm and just ignore him.*

### depressing:

de·press·ing /dɪ'presɪŋ/

افسرده و دل‌تنگ کننده

making you feel very sad

- *It's a depressing thought.*
- *The whole experience was very depressing.*

### disgusting:

dis·gust·ing /dɪs'gʌstɪŋ/

منزجر کننده

extremely unpleasant and making you feel sick

- *Rubbish was piled everywhere - it was disgusting.*
- *Smoking is a really disgusting habit.*

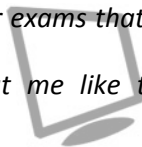
### nervous:

ner·vous /'nɜːrvəs/

عصبی و دستپاچه

worried or frightened about something, and unable to relax

- *She was so nervous about her exams that she couldn't sleep.*
- *I wish you'd stop looking at me like that. You're **making** me **nervous** .*



## Unit 8: Enjoying the Arts.

### Grammar.

#### ☑ جملات معلوم و مجهول :

به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری را به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر می گردد، جمله معلوم گفته می شود. تمامی جملاتی که تاکنون آموخته اید جمله معلوم می باشند. مثال :

I study English.

به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند. به جملات زیر توجه نمایید :

Columbus discovered **America**.

کلمبوس آمریکا را کشف نمود

Columbus drew **a map of the world**.

کلمبوس نقشه جهان را کشید

در جملات فوق Columbus فاعل بوده، America و a map of the world مفعول می باشند. اگر بخواهیم جملات فوق را بصورت مجهول بنویسیم، خواهیم داشت:

**America** was discovered by Columbus.

آمریکا توسط کلمبوس کشف شد

**A map of the world** was drawn by Columbus.

یک نقشه از جهان توسط کلمبوس کشیده شد

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده ، سپس فاعل را توسط **by** در انتهای جمله می نویسیم. همچنین فعل اصلی جمله را به صورت قسمت سوم آن به همراه زمان مناسب **to be** ذکر می کنیم.

**توجه :** زمان مناسب فعل **to be** برای جملات مجهول عبارتند از:

۱- زمان حال ساده : **am/is/are**

۲- زمان گذشته ساده : **was/were**

۳- زمان آینده ساده : **will be**

۴- زمان حال کامل : **has been / have been**

### ☑ اسم مفعول :

اسم مفعول یا **Past participle** به شکل سوم فعل گفته می شود. شکل سوم افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده شکل سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. شکل سوم برخی از افعال بشرح زیر است:

discover ► discovered

learn ► learned

draw ► drawn

speak ► spoken

build ► built



### ✓ افعال متعدی :

افعال متعدی به افعالی گفته می شود که به مفعول نیاز دارند و بدون آن جمله کامل نمی شود. مانند learn (مثال: من انگلیسی یاد می گیرم. چه چیزی را یاد می گیرم؟ انگلیسی) افعال لازم افعالی هستند که برای تکمیل جمله به مفعول نیازی ندارند. مانند go (مثال: من به مدرسه می روم. عبارت "چه چیزی را می روم؟" نامفهوم است)

توجه کنید که تنها جملات دارای افعال متعدی می توانند بصورت مجهول نوشته شوند.

### ✓ ساختار جملات مجهول حال ساده:

فاعل + by + ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول  
مثال:

Every year the government builds a new railway line.

► A new railway line is built by the government every year.

### ✓ ساختار جملات مجهول حال استمراری:

فاعل + by + ... + اسم مفعول + am/is/are + being + مفعول

Ali is doing his homework.

► His homework is being done by Ali.

☑ ساختار جملات مجهول حال کامل:

فاعل + **by** + ... + اسم مفعول + **have/has + been** + مفعول  
مثال:

Ali has done his homework.

► His homework has been done by Ali.

☑ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

فاعل + **by** + ... + اسم مفعول + **was/were** + مفعول  
مثال:

Last year the government built a new railway line.

► A new railway line was built by the government last year.

☑ ساختار جملات مجهول گذشته استمراری:

فاعل + **by** + ... + اسم مفعول + **was/were + being** + مفعول  
مثال:

Ali was doing his homework.

► His homework was being done by Ali.

✓ ساختار جملات مجهول آینده ساده:

فاعل + **by** + ... + اسم مفعول + **will be** + مفعول

مثال:

Next year the government will build a new railway line.

► A new railway line will be built by the government next year.

✓ ساختار جملات مجهول modal ها از قبیل

**could / must / would / should** و ... :

فاعل + **by** + ... + اسم مفعول + **modal + be** + مفعول

مثال:

I could write a new letter yesterday.

► A new letter could be written by me, yesterday.





## 📖 Vocabulary.

### inspire:

in·spire /In'spaɪr/

الهام بخشیدن

to encourage someone by making them feel confident and eager to do something

- *We need someone who can inspire the team.*
- *He inspired many young people to take up the sport.*

### influence:

in·flu·ence / 'Influəns/

تحت تاثیر قرار دادن

to affect the way someone or something develops, behaves, thinks etc without directly forcing or ordering them

- *Marx was **strongly influenced** by the historian Niebuhr.*
- *Several factors are likely to influence this decision.*

### interest:

in·terest / 'Intrɪst/



علاقه مند کردن

to give something a lot of attention because you want to find out more about it

- *He had always interested himself in foreign affairs.*

### **fascinate:**

fas·ci·nate / 'fæsɪneɪt/

شيفته کردن، مجذوب کردن

if someone or something fascinates you, you are attracted to them and think they are extremely interesting

- *The idea of travelling through time fascinates me.*

### **move:**

move /mu:v/

متاثر کردن، تحریک کردن

to make someone feel strong emotions, especially of sadness or sympathy

- *Russell was deeply moved by what he heard.*
- *His speech **moved** the audience **to tears** .*



## Unit 9: Living with Computers.

### 👉 Grammar.

#### ☑ کاربرد as ... as در بیان تشابه صفتها :

برای بیان تشابه یا برابری صفت بین دو شخص از عبارت  
as ... as بصورت زیر استفاده می شود. مثال:

This LCD is as good as that one.

این نمایشگر به خوبی آن یکی است.

He is as old as I (am).

او به بزرگی من است.

**توجه :** برای تاثیر بیشتر در بیان تشابه می توان از just قبل از  
as ... as استفاده نمود. مثال:

The new LCD is just as good as the old one.

نمایشگر جدید دقیقا بخوبی مدل قدیمی اش می باشد.

**توجه :** برای بیان تشابه دو چیزی که دقیقا مشابه هم نبوده و فقط  
تا حدودی شبیه باشند، می توان از almost قبل از as ... as

استفاده نمود. مثال:

The new LCD is almost as good as the old one.

But it's a little slower.

نمایشگر جدید تا حدودی بخوبی مدل قدیمی اش می باشد. ولی مقداری  
کند است.

**توجه :** برای بیان عدم تشابه دو چیز از **not as ... as** استفاده می شود. اگر اختلاف دو چیز محدود باشد، از قید **quite** و اگر اختلاف بزرگ باشد، از قید **nearly** برای تاثیر بیشتر استفاده می گردد.

مثال:

**My new air conditioner is not as noisy as the old one.**

سیستم تهویه مطبوع من به پر سر و صدایی مدل قدیمی اش نیست.

**The new LCD doesn't cost quite as much as the old one.**

نمایشگر جدید اندکی اختلاف قیمت با نمونه قدیمی اش دارد.

**The new LCD doesn't cost nearly as much as the old one.**

نمایشگر جدید اختلاف قیمت زیادی نسبت به نمونه قدیمی اش دارد.

**توجه :** گاهی جملات **as ... as** در حالت مخفف بصورت زیر نوشته می شوند. مثال:

**We loved our old LCD. But our new LCD is just as good.**

**Have you seen my new car? My new car isn't nearly as nice.**

### ☑ کاربرد as ... as در بیان تشابه قیده‌ها:

برای بیان تشابه یا برابری قید بین افعال جمله از عبارت as ... as بصورت زیر استفاده می‌شود. مثال:

My new phone works as well as my old one.

تلفن جدید من بخوبی مدل قدیمی کار می‌کند.

The new LCD doesn't run as slowly as the old one.

نمایشگر جدید به کندی مدل قدیمی اش کار نمی‌کند.

### ☑ بیان هدف و نتیجه :

برای بیان هدف، منظور و نتیجه انجام کار می‌توان از کلمات because و in order that و ... استفاده نمود.  
مثال:

I scrolled down the page because I wanted to read the text.

من نوار اسکرول صفحه را پایین آوردم چون خواستم متن را بخوانم.

I clicked on that icon in order that I wanted to save the file.

من روی آن آیکون کلیک نمودم چون خواستم فایل را ذخیره کنم.

گاهی از مصدر افعال (to به همراه حالت اولیه فعل) برای بیان اهداف و نتیجه کار استفاده می‌شود.

I scrolled down **to read** the text.

من برای خواندن متن، اسکرول صفحه را پایین آوردم.

I clicked on that icon **to save** the file.

من برای ذخیره فایل روی آن آیکون کلیک کردم.

**توجه :** در پاسخ کوتاه به پرسشها نیز می توان از حالت فوق استفاده نمود. مثال:

Why did you click on that icon?

► **To save** the file.



## 📖 Vocabulary.

### surf (the Internet):

surf /sə:rf/

گشت و گذار در اینترنت

to look quickly through information on the Internet for anything that interests you

### join (a chat room):

join /dʒɔɪn/

پیوستن به چت روم (اتاق گفتگوی اینترنتی)

### attachment:

at·tach·ment /ə'tætʃmənt/

پیوست، ضمیمه

a document or file that is sent with an email message

- *I'll send the spreadsheet as an attachment.*

### scan:

scan /skæn/

اسکن کردن متن و تصاویر در کامپیوتر

if you scan a document or picture, you put it into a machine attached to a computer so that the information in the document can be taken into the computer and stored there

- *You scan the text into the computer, then edit it.*

**web page:****'web page / 'webpeɪdʒ/**

صفحه اینترنتی

all the information that you can see in one part of a website





**Unit 10: Ethics and Values.****Grammar.****☑ کاربرد ضمایر ملکی :**

همانگونه که در درسهای گذشته دیدید صفت ملکی قبل از اسم آمده و مالکیت شیء را بیان می کند. مانند my book (کتاب من)

ضمایر ملکی جایگزین اسم و صفت ملکی شده و مفهوم (دارایی) را می رساند. مثال:

This is my pen. این قلم من است

This is mine. این مال من است

ضمایر ملکی عبارتند از:

mine : مال من

yours : مال شما

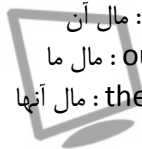
his : مال او

hers : مال او

Its : مال آن

ours : مال ما

theirs : مال آنها



**توجه :** فعل own نیز به معنی (دارا بودن و داشتن) جایگزین ضمائر ملکی می شود. مثال:

This pen is mine. این قلم مال من است.

I own this pen. این قلم دارایی من است.

This table is ours. این میز مال ما است.

We own this table. این میز دارایی ما است.

**توجه :** به جملات سه گانه زیر توجه نمایید. هر سه جمله معنی واحدی می دهند.

I own this pen.

This pen is mine.

This is my pen.

You own that book.

That book is yours.

That is your book.

### کاربرد جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت if-clause (شرط) و main-clause (پاسخ شرط) تشکیل می گردند.

به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید. در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (if clause) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (main clause) خواهد بود.

### ✓ جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید)

جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود. مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

If I eat too much, I gain weight.

### ✓ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

### ✓ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد



ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:  
**جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده if**  
 مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار  
 برد:

**جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده**  
 مثال :

He will pass the exam if he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

I'll finish the homework this afternoon if I have time.

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم



### ☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم.... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده **if**  
مثال :

If I spoke Chinese, I would apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

If her parents knew about her tattoo, they would be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

**توجه :** در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای **was** همیشه از **were** استفاده می شود. مثال:

If I were you, I wouldn't go there.

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

If he were rich, he could help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.



## 📖 Vocabulary.

### tattoo:

tat·too /tæ'tu:/

خالکوبی

a picture or writing that is permanently marked on your skin using a needle and ink

- *He has a tattoo of a snake on his left arm.*

### makeup:

make·up / 'meɪkʌp/

گرییم، آرایش

coloured substances that are put on your face to improve or change your appearance

- *I don't usually **wear** much **make-up** .*
- *I'm just **putting** my **make-up on** , then I'll be ready.*

### hairstyle:

hair·style / 'herstaɪl/

مدل مو

the style in which someone's hair has been cut or shaped

- *Do you like my new hairstyle?*



**pierce:**

pierce / 'pi:rs/

سوراخ کردن (گوش)

to have a small hole made in your ears, nose etc  
so that you can wear jewellery through the hole

- *pierced ears*



### منابع و مراجع

- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch 2, Pearson Longman 2006
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3<sup>rd</sup> Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Dictionary, TahlilGaran 2010
- Alireza Motamed, PersianVi Intermediate, TahlilGaran 2010





## آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

# تحلیکر

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی آموزشگاه مراجعه نمایید:

**[www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)**

# TahlilGaran

Distance Learning English Courses

## Top Notch Level 2

■ Vocabulary ■ Grammar

شاپک : ۸-۳۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

دوره : ۸-۲۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸



تهران - میدان ونک - خیابان گاندی هجدهم - پلاک ۱۸ - واحد ۲ تلفن : ۸۸۸۷۳۷۱۸

پست الکترونیک : [info@PersianVi.com](mailto:info@PersianVi.com)

سایت اینترنت : [www.PersianVi.com](http://www.PersianVi.com)

قیمت : ۲۵۰۰ تومان